

نامه سرگشاده به دبیر کل سازمان ملل متحد

آقای پطروس خالی
دبیر کل سازمان ملل متحد - نیویورک

آقای عزیز!

امسال هفتمین سالگرد کشتار هزاران زندانی سیاسی در ایران است. بر اساس گزارش هایی که از سوی کمیسیون حقوق بشر، سازمان عفو بین الملل و دیگر مراجع بین المللی تاکنون منتشر شده است، در تابستان سال ۱۳۶۷ بیش از پنج هزار زندانی سیاسی از میان اعضا و هواداران احزاب، سازمان ها و گروه های سیاسی ایران، بر خلاف حتی آرای صادره از سوی دادگاه های انقلاب اسلامی، در زندان های جمهوری اسلامی در مقابل هیئت های اعزامی سه نفره به زندان ها، که به «گروه مرگ» مشهور شده اند، قرار گرفتند و به اعدام محکوم شدند. همان طوری که مطلع هستید در میان اعدام شدگان صدها تن از رهبران، اعضا و هواداران حزب توده ایران و از جمله گروهی از سرشناس ترین مبارزان راه آزادی میهن ما که بیش از ۲۵ سال از عمر خود را در زندان های رژیم شاه سپری کرده بودند، وجود داشتند.

ادامه در ص ۳



شماره ۴۶۲، دوره هشتم
سال دوازدهم، ۷ شهریور ۱۳۷۴

بازهم پیرامون عملکردهای زن ستیزانه رژیم «ولایت فقیه»

دو حاشیه بر گزاروی چهارمین کنفرانس جهانی زنان

چهارمین کنفرانس جهانی زنان که هر ده سال یک بار زیر چتر سازمان ملل متحد برگزار می شود، در یکن پایتخت جمهوری خلق چین افتتاح شد. بر اساس آخرین گزارشات خبرگزاری های جهان بیش از ۳۰۰۰ نماینده میلیون ها زنان از بیش از صد کشور جهان در دو بخش دولتی و غیر دولتی کنفرانس شرکت دارند و بر سر مسائل مختلف حقوق زنان و چگونگی دستیابی به برابری حقوق با مردان به بحث و تبادل نظر مشغولند. ما در شماره های آینده مفصلاً پیرامون این کنفرانس و فعالیت های افشاگرانه پیرامون سرکوب حقوق زنان در ایران خواهیم نوشت.

جمهوری اسلامی این بار نیز مانند کنفرانس ناپروبی که ده سال پیش در پایتخت کنیا برگزار شد، نمایندگان خود را به این کنفرانس اعزام کرده است تا به زنان جهان اثبات کند که «آزادی» واقعی زنان تنها در چارچوب قوانین و عملکردهای رژیم «ولایت فقیه» امکان پذیر است، و لاغیر. خانم شهلا حبیبی، مشاور رئیس جمهور در امور زنان در مصاحبه ای در تهران ضمن اشاره به این موضوع اضافه کرد که «اعزام تیمی مجرب از خبرنگاران زن ایرانی به چهارمین کنفرانس جهانی زن در یکن نشانه حضور فعال زنان ایرانی در تمامی سطوح سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کشور است...» (روزنامه «سلام»، ۲ شهریور ۱۳۷۴). لازم به تذکر است که چند هفته قبل از این، نیز اجلاسی در پاکستان زیر عنوان «اجلاس زنان پارلمان های کشورهای اسلامی» به منظور هماهنگ کردن مواضع کشورهای اسلامی برگزار شد که در آن یکی از نمایندگان رژیم، مریم بهروزی، طی سخنان خود، از جمله مدعی شد: «... مدعیان حقوق بشر یک قرن است برای عوام فریبی مردم جهان شعار برابری و تساوی حقوق زنان را مطرح می کنند اما اسلام

ادامه در ص ۳

ص ۸
**فراخوان عاجل احزاب
کمونستی و کارگری برای
نجات جان زندانیان سیاسی ایران!**

چماق «حزب الله» بهانه ای برای تشدید سرکوب و خفقان

«از آزادی های مخرب باید جلوگیری شود و مردم و جوانان حزب اللهی اگر برخورد به یکی از امور مذکوره نمودند به دستگاه های مربوط رجوع کنند و اگر آنها کوتاهی نمودند خودشان مکلف به جلوگیری هستند... وصیتنامه حضرت امام راحل مهمتر از قانون است... من به بچه های حزب اللهی سفارش می کنم که دستور العمل های حضرت امام را اجرا کنند و به مسئولان هم توصیه می کنم اگر بچه های حزب الله وارد صحنه شدند به احترام حضرت امام با آنان برخورد نکنند...» (روزنامه «رسالت»، ۴۰ شهریور ۷۴).

موضوع کشاندن دسته های چماق کشی، سرکوب و ترور به خیابان های کشور، موضوع جدیدی نیست. از همان آغاز انقلاب، هرآنگاه که لازم بود، جو سرکوب، ارباب و وحشت در جامعه تشدید گردد، سران رژیم از خمینی تا قطب زاده و بنی صدر، حزب الله را به صحنه فرا خواندند و جنایات خود را به نام حزب الله سازماندهی کردند. از یورش حزب الله به دانشگاه های کشور در سال های ۶۰ تا مقابله حزب الله با «تهاجم فرهنگی»، یورش های فصلی به زنان کشور به دلیل «بی حجابی»، «بد حجابی» و... تا اعزام حزب الله برای آتش زدن کتاب فروشی، بستن روزنامه ها و مجلات مخالف و بالاخره ترور مخالفان، همه پدیده های آشنا و روشنی برای مردم ما است.

حزب الله در واقع نام دیگری است برای ارگان های سرکوب رژیم، منتهی با این تفاوت که رژیم این بار جنایات خود را به پای مردم و جوانان کشور تمام می کند و خود رسماً از زیر با گناه شانه خالی می کند. ما در هفته های اخیراً مکرراً اشاره کردیم که با توجه به گسترش و تعمیق روند بحران اقتصادی - اجتماعی، رژیم جمهوری اسلامی خود

ادامه در ص ۲

**غرفه "نامه مردم" در جشن سالیانه
روزنامه "عصر ما"، ارگان مرکزی
حزب کمونیست آلمان**
ص ۸

زنده باد آزادی، استقلال، صلح و عدالت اجتماعی، طرد باد رژیم «ولایت فقیه»!

چماق «حزب الله» ...

را برای مانورهای گوناگون، از جمله و به ویژه تشدید سرکوب و خفقان آماده می کند. از یورش «مردان مسلح» به دفتر روزنامه «پیام دانشجو» و ضرب و شتم کارمندان این موسسه که تا به امروز هنوز مشخص نگردیده است (۱۴) چه کسانی مسؤول آن بودند تا یورش مجدد افراد مسلح به موسسه انتشاراتی «مرغ آمین» در خیابان کریم خان زند و به آتش کشیدن این موسسه، در کنار یورش «جوانان حزب اللهی» به جلسه سخنرانی عبدالکریم سروش و تهدیدهای ضمنی و علنی روزنامه «سلام» از سوی روزنامه «رسالت» و سایر مقامات جمهوری اسلامی، همگی نشانگر مصمم بودن سران جمهوری اسلامی برای ایجاد فضای مناسب برای ادامه حکومت خود، از طریق سرکوب بازهم بیشتر هرگونه صدای مخالفی در درون کشور است.

اتفاقی نیست که درست پس از این سخنان تحریک آمیز جنتی در نماز جمعه تهران، یگان های موتوریزه حزب الله که به انواع و اقسام سلاح های سرد و گرم نیز مجهز هستند فوراً در مقابل موسسه نشر «مرغ آمین» که تنها جرمش چاپ کتابی است که قبلاً وزارت ارشاد اجازه انتشار آن را صادر کرده بود، حضور می یابند و «قانون» را اجرا می کنند. و در مقابل این خودسری و تجاوز آشکار به حقوق شهروندان، نه تنها مقامات مسؤول که قاعدتاً می بایست پاسدار قانون باشند، اعتراضی نمی کنند، بلکه ارگان های تبلیغاتی همین چماق داران نیز با نگرانی می نویسند نکند که «خدای ناکرده» يك وقت جوانان «حزب اللهی» مورد بی لطفی مقامات مربوطه قرار گیرند (اشاره به مقاله روزنامه «کیهان» چاپ تهران).

بی قانونی، عدم امنیت و تامین سیاسی، اجتماعی از مظاهر روشن حکومت های دیکتاتوری است. از گروه های مرگ حکومت های دیکتاتوری در آمریکای لاتین، شیلی - پینوشه، تا گواتمالا، السالوادور و ... تا حزب الله در جمهوری اسلامی، تماماً يك هدف و وظیفه واحد را دنبال می کنند، اعمال سرکوب و خفقان در جامعه.

رژیم شاه، نیز در دوران های بحرانی رشد جنبش توده ای چماق داران ساواک را به

خیابان ها فرستاد تا با اوج گیری ناراضی مردم مقابله کنند. آنچه که سران رژیم جمهوری اسلامی از درک آن عاجز هستند، این واقعیت است که اوج گیری ناراضی و تنفر مردم از رژیم کنونی، بیش از هر چیز به شرایط عینی زندگی آنان و تشدید بحران اقتصادی - اجتماعی در درون جامعه مربوط است و تا آنجا که به شرایط کنونی کشور و امکانات جمهوری اسلامی بر می گردد، امکان تخفیف این بحران در حال حاضر بسیار ضعیف و تقریباً غیر ممکن است. بدهی های سنگین خارجی، کاهش درآمد ارزی ایران، به دلیل کاهش قیمت و تولید افزایش نفت در بازار جهانی، سقوط ارزش دلار در مقایسه با سایر ارزهای خارجی، دستگاه فاسد اداری جمهوری اسلامی، کمبود نیروی ماهر و متخصص، نبود يك برنامه ریزی مترقی و مردمی برای بازسازی تولید در کشور، در کنار ادامه اختلافات و درگیری جناحهای مختلف برای حفظ و به انحصار درآوردن قدرت سیاسی در کشور، همگی از جمله دلایلی هستند، که سران جمهوری اسلامی علی رغم تلاش های گوناگون تاکنون نتوانسته اند، بحران کنونی را مهار و زمینه های تثبیت خود را فراهم سازند. این شرایط با توجه به نزدیک بودن پنجمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، که منجر به کشانده شدن بیش از پیش درگیری ها و افشاگری های سیاسی به درون جامعه خواهد شد، حکایت از ادامه و تشدید بحران کنونی دارد. در مقابل این شرایط، رژیم دو راه در مقابل خود دارد، تشدید سرکوب و خفقان و یا مانورهایی برای آرام کردن جو سیاسی از طریق دادن برخی امتیازات ظاهری به بخش کوچکی از اپوزیسیون داخل کشور. ما در هفته های گذشته شاهد بودیم که علی رغم برخی مانورهای جناح رفسنجانی برای مذاکرات پنهانی با برخی از نیروهای سیاسی کشور، از جمله نهضت آزادی، و مطرح شدن امکان شرکت این گروه در انتخابات آینده، جناح حاکم، به روشنی مخالفت خود را با چنین روندی اعلام کرد و ناطق نوری، رئیس مجلس، و یزدی، رئیس قوه قضائیه مخالفت شدید خود را با شرکت نیروهای مخالف «ولایت فقیه»، در انتخابات اعلام کردند. سرمقاله های تند روزنامه «رسالت» علیه «مخالفان ولایت فقیه» که به اعتقاد سرمقاله نویس روزنامه فرقی با ضدانقلاب ندارند، در

کنار گام های عملی، از جمله بستن دفتر «پیام دانشجو»، حمله به مرکز نشر «مرغ آمین»، جلوگیری از سخنرانی محتشمی در دانشکده تربیت معلم و سروش در اصفهان، مخالفت رسمی وزارت کشور برای صادر کردن پروانه فعالیت برای نهضت آزادی و بالاخره لایحه مجلس پیرموان شرایط «انتخاب شوندگان» برای انتخابات دوره پنجم و باز گذاشتن کامل دست شورای نگهبان برای حذف کاندیداهای مخالف و مزاحم، نشانگر آن است که جناح حاکم بسیار حساب شده، منسجم و سازمان یافته نقشه خود را برای تحکیم و انحصاری کردن بیشتر قدرت به اجرا در می آورد. نکته جالب در این میان آن است که برخلاف انتخابات مجلس چهارم، جناح حاکم که عمدتاً نماینده کلان سرمایه داری تجاری است، و از نظر روبنایی نماینده محافظه کارترین و واپسگراترین اندیشه های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در کشور است برای اجرای نقشه های خود احتیاج جدی به هاشمی رفسنجانی و هواداران او ندارد. سخنان ناطق نوری مبنی بر اینکه انتخابات پنجم تنها گام نخست است و پس از آن ما انتخابات مهم ریاست جمهوری را در پیش داریم، نشان می دهد که خواست جناح حاکم نه تنها مجلس، بلکه مقام ریاست جمهوری نیز می باشد. با این توجه باید منتظر تحولات جدی در درون حاکمیت جمهوری اسلامی، تشدید اختلافات و شکاف های بیشتر و شاید حتی تغییر صف بندی های جناح ها نیز بود. آنچه مسلم است این است که با محدود و محدودتر شدن پایگاه اجتماعی رژیم و انزوای بیش از پیش آن در میان اقشار وسیع تری از جامعه و حتی بخش های وسیعی از نیروهای مذهبی، حاکمیت جمهوری اسلامی، در واقع به دست خود زمینه های تخریب جدی تر ارگانهای حکومتی اش را فراهم می کند. حزب توده ایران در هفته های اخیر مکرراً بر ضرورت برداشتن گام های عملی برای ایجاد يك ائتلاف وسیع مردمی علیه استبداد حاکم اظهار نظر کرده است و مواضع روشن خود را اعلام کرده است. تشدید تلاش در این زمینه و آماده سازی مذاکره و گفتگوی نمایندگان احزاب و سازمان های سیاسی مترقی ایران برای روشن کردن يك برنامه روشن مبارزاتی، ضرورت درنگ ناپذیری است که می بایست هرچه سریعتر به آن پاسخ شایسته را داد.

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

به مجامع بین المللی

- به سازمان ملل متحد

- به کمیساریای امور پناهندگان سازمان ملل متحد

- به سازمان عفو بین المللی

بیش از سی روز از تحصن ۱۶۱ پناهجوی ایرانی در دفتر مرکزی حزب سوسیالیست متحد آنکارا می گذرد. بر اساس آخرین گزارشات رسیده از آنکارا، دولت ترکیه مصمم است تا همزمان با سفر وزیر امور خارجه این کشور به ایران، در هفته جاری، و در چارچوب توافق های امنیتی دو کشور، گروه زیادی از این پناهجویان را در مقابل شماری از نیروهای حزب کارگران کردستان (PKK) معاوضه کند. لازم به تذکر است که در میان تحصن کنندگان ۶۴ کودک وجود دارد که آنان نیز در خطر بازگردانده شدن به ایران هستند. ما قبلاً به شما اطلاع داده بودیم که بر اساس تجربه های گذشته و با توجه به کارنامه سیاه جمهوری اسلامی در عرصه سرکوب حقوق بشر، در صورت بازگردانده شدن این پناهجویان به ایران، خطر دستگیری، شکنجه و حتی اعدام آنان را تهدید می کند.

ما از شما و خصوصاً سازمان ملل متحد انتظار داریم که فوراً در جهت جلوگیری از این عمل دولت ترکیه اقدامات عاجلی بنمائید. بازگرداندن پناهجویان به کشوری که بر اساس آخرین گزارشات کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد و سازمان عفو بین المللی کوچکترین اعتقادی به اجرا حقوق بشر ندارد و مخالفان و دگراندیشان را وحشیانه سرکوب، شکنجه و نابود می کند، چیزی جز يك عمل غیر انسانی و همکاری با جنایتکاران نمی تواند باشد.

ما از همه نیروهای مترقی ایران و جهان نیز می طلبیم تا تلاش خود را برای مقابله با این عمل غیر انسانی دولت ترکیه دوچندان کنند.

روابط عمومی کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۲ شهریور ماه ۱۳۷۴ - ۴ سپتامبر ۱۹۹۵

نامه سرگشاده به دبیر کل سازمان ...

پس از گذشت هفت سال از این فاجعه ملی برای کشور ما، دولت جمهوری اسلامی هنوز از اعلام نام و محل دفن این شهدای راه آزادی، استقلال و عدالت کشور ما خودداری کرده است. برای هزاران خانواده ایرانی روشن نیست که عزیزانشان، به چه جرمی، چگونه و به چه مجوز قانونی و به مسؤولیت چه مقام یا مرجع قانونی مجدداً محاکمه شدند و احکام زندان آنان به اعدام تغییر یافت و سپس آنچنان وحشیانه به مورد اجرا گذاشته شد.

ما و هزاران خانواده شهدا، از شما انتظار داریم که از دولت جمهوری اسلامی بخواهید تا فوراً به این خواست طبیعی و انسانی خانواده های شهدا پاسخ گوید و اطلاعات لازم را در این زمینه منتشر کند.

با تقدیم احترام

علی خاوری، صدر کمیته مرکزی
حزب توده ایران

باز هم پیرامون عملکرد های ...

... چهارده قرن قبل اصل برابری و انسانی را پایه ریزی کرده و زن را به عنوان عضو موثر جامعه مورد تکریم و احترام قرار داده است...» و نماینده دیگر جمهوری اسلامی در این نشست، خامنویخت، نیز مدعی شد که یکی از مشکلات اساسی کشورهای اسلامی: «فاصله گرفتن این جوامع از قرآن و فرهنگ اسلامی است... و ایران نمونه ای است که ... توانسته به رشد بالنده ای در مورد حقوق زنان دست یابد...»!!!

نماینندگان جمهوری اسلامی در شرایطی این ادعاها را مطرح می کنند که بر اساس توضیح جناب رئیس جمهور رژیم از نظر «علمی» ثابت شده است که «عقل زنان کمتر از مردان است»، و زنان در کشور ما از بسیاری از حقوق اولیه خود، مانند حق اشتغال، تحصیل، حق مسافرت، حق تعیین همسر، حق سرپرستی کودکان و ... رسماً محروم هستند. امروز به لطف حکومت «ولایت فقیه» در ایران کودکان نه ساله زیر لوای «قوانین شرعی» شوهر داده می شوند و در واقع خرید و فروش اطفال خردسال و تجاوز به کودکان دختر، در کنار تشویق دختران جوان به «ازدواج های موقت» در چارچوب همین «دستاوردهای تاریخی» رژیم قانونی شده است. زنان در چارچوب اعتقادات و تفکرات سران رژیم جمهوری اسلامی موجود «ضعیفه ای» هستند که تنها به درد «خانه

داری»، «شوهر داری»، «ارضای تمایلات جنسی مردان» و «تولید مثل» می خورند و خارج از این چارچوب ها امور را باید به عهده مردان سپرد.

مسأله برابری حقوق زنان در عرصه اقتصادی، که پایه استقلال زن و زمینه ساز برابری آنان با مردان است، در رژیم جمهوری اسلامی نه تنها پیشرفتی نداشته است، بلکه به گواهی آمار رسمی جمهوری اسلامی مرتباً سیر قهقرایی را پیموده است.

مجله زنان، چاپ تهران، در شماره بهاری خود گزارش پژوهشی پیرامون شرایط زندگی زنان در ایران منتشر کرد که حاوی نکات جالب و افشاگر است. در این گزارش از جمله می خوانیم: «۷۵٪ از زنان میهن ما در هیچ يك از نهادهای تصمیم گیری عضویت ندارند و هیچ زنی برای پست های کلیدی و بالای دانشگاهی کشور پیشنهاد نشده است. ۸۰٪ از کل زنان شاغل، در آموزش و پرورش مشغول به کار هستند و هیچيك از آنان نیز در رده بالای مقامات مسوول و تصمیم گیرنده قرار ندارند.»

در يك پژوهش آماری دیگر نشان داده شده است در حالیکه سهم اشتغال زنان در سال ۱۳۵۵، نسبت به کل اشتغال ۱۵٪ بوده است، این میزان ده سال بعد یعنی در سال ۱۳۶۵ به ۱۱٪ کاهش یافته است و این سیر قهقرایی همچنان ادامه دارد. بر اساس همین تحقیقات، این وضع در بخش خصوصی به مراتب خراب تر است و در سال های اخیر، سالانه نزدیک به ۶٪ از سهم

زنان در اشتغال در بخش خصوصی کم شده است. حاکم بودن عقاید قرون وسطایی و تحمیل آن به جامعه آنچنان است، که امروز در ایران برای «جلوگیری از تحریک مردان مسلمان»، اتوبوس ها، کلاس های درس، و ... تقسیم بندی شده و مسأله تبعیض جنسی راه خود را حتی به کتاب های درسی و آموزشی نیز گشوده است.

آنچه در بالا ذکر شد، تنها گوشه ای از آن اندیشه ها و نظرات واپسگرایانه ای است که رژیم جمهوری اسلامی بر میهن ما تحمیل کرده است. اما علی رغم همه این ستم ها، زنان مبارز و قهرمان کشور ما که نقش تاریخی و عظیمی را در به پیروزی رساندن انقلاب بهمن ۱۳۵۷ ایفا کردند، مصمم اند تا در مقابل این زورگویی ها، تعدیات و تجاوز رژیم به حقوق شان بایستند، مبارزه کنند و سرانجام رژیم را وادار به عقب نشینی و شکست کنند. امروز دفاع از حقوق زنان و گسترش مبارزه در این عرصه، یکی از مهمترین زمینه های مبارزه علیه رژیم «ولایت فقیه» است که در چارچوب آن ملاک و معیار مترقی بودن، آزادیخواه بودن و پیشرو بودن نیروهای گوناگون را می توان محک زد. حزب توده ایران به مثابه نخستین سازمان سیاسی تاریخ معاصر ایران که مسأله تحقق برابری حقوق زنان و مردان را در دستور کار جامعه قرار داد، امروز همچنان در کنار زنان مبارز کشور ما به این مبارزه مقدس و حیاتی برای پیشرفت و تحقق آزادی واقعی در کشور ادامه می دهد.

رویداد به آتش کشیده شدن يك كتاب فروشی در تهران

عده ای از حزب الهی های وابسته به حکومت اسلامی، سه شنبه شب ۳۱ مرداد ماه، به کتاب فروشی و مؤسسه نشر «مرغ آمین» در خیابان کریم خان زند حمله کردند، صاحب آن را مورد ضرب و شتم قرار دادند و سپس مؤسسه را به آتش کشیدند. حزب الهی ها ابراهیم رحیم خامنه ای، صاحب کتاب فروشی، را به زور با خود بردند و چند ساعت بعد او را که به سختی مضروب کرده بودند نزدیک میدان حسن آباد، در خیابان سپه، از اتومبیل به بیرون پرت کردند.

به گزارش خبرگزاری ها، مؤسسه نشر «مرغ آمین» اخیراً کتابی به عنوان «خدایان دوشنبه ها می خندند»، که نویسنده ای به نام محمد رضا خوش بین خوش نظر آن را نوشته است، منتشر ساخت. مقامات حزب الهی اظهار نظر کردند که این کتاب حاوی موضوع های «سکسی» و «هن آور نسبت به ارزش های اسلامی است. لیکن، رحیمی خامنه ای، صاحب مؤسسه «مرغ آمین» اعلام کرد که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی قبلاً اجازه انتشار این کتاب را صادر کرده است.

به گزارش خبرگزاری رویتر، عواملی که به کتاب فروشی «مرغ آمین» حمله کردند کتاب «خدایان دوشنبه ها می خندند» را شبیه کتاب «آیه های شیطانی» سلمان رشدی تلقی کرده اند.

واکنش های مخالف از سوی مقامات و مطبوعات

عطاءالله مهاجرانی، معاون هاشمی رفسنجانی، در ستون «نقد حال»، در روزنامه «اطلاعات»، آتش زدن «مرغ آمین» را مورد انتقاد قرار داد و آن را «کار دشمنان دانا و دوستان نادان» نامید. وی نوشت «این کار کسانی است که برای يك دستمال، قیصریه را آتش می زنند».

لیکن روزنامه «کیهان»، چاپ تهران، قبلاً نامه ای به امضای عده ای چاپ کرد که در آن به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به علت صدور اجازه انتشار کتاب «خدایان دوشنبه ها می خندند» اعتراض شده بود. «کیهان»، پس از حادثه به آتش کشیده شدن کتاب فروشی «مرغ آمین» و ضرب و شتم مدیر آن، این عمل حزب الهی ها را مورد تأیید قرار داد.

حزب الله بالاتر از قانون

آیت الله جنتی از جمله مقامات حکومت اسلامی بود که آشکارا به حمایت از عمل حزب الهی ها برخاست و در مراسم نماز جمعه تهران اعلام کرد: «حزب الهی ها بالاتر از قانون هستند و می توانند برای مبارزه با فساد غرب، نقش پلیس و دادگاه ها را ایفا کنند». وی همچنین گفت: «مسئولین محترم نباید نگرانی داشته باشند از اینکه عده ای از جوانان حزب الهی مخلص و وفادار به انقلاب برای اجرای وصیت آیت الله خمینی و جلوگیری از فساد دست به چنین اقدامی می زنند». جنتی سپس به استدلال تأیید آمیز خود درباره اقدام حزب الهی ها چنین ادامه داد: «وقتی حزب الهی ها» پی به يك فساد در گوشه ای از مملکت می برند، و یا متوجه می شوند که کسی دارد مفسده می کند و فساد غربی را ترویج می نماید، در عین حال، مسئولین هم اقدامی برای جلوگیری به عمل نمی آورند، آنکاه حزب الهی ها حق دارند خودشان را سواً وارد عمل شوند و جلوی فساد را بگیرند».



جنتی که از جمله فقهای عضو شورای نگهبان قانون اساسی است، در ادامه تأیید عمل حزب الهی ها تاکید ورزید: «نه نیروهای انتظامی، نه دادگاه و نه هیچ مرجع دیگری حق ندارد با این جوانان مخالفت کند و جلوی آن ها را بگیرد».

تعدد قدرت

روزنامه «سلام» در واکنشی زیر این عنوان، ضمن اشاره به سخنان جنتی در مراسم نماز جمعه، نوشت: «این سخنان در شرایطی از تریبون نماز جمعه تهران ایراد می شود که اخیراً مواردی از این برخوردها را شاهد بوده ایم. حمله افراد «ناشناس» به دفتر هفته نامه «پیام دانشجو»، که با فاصله کوتاهی از آن حادثه، از سوی هیئت نظارت بر مطبوعات توقیف شد، و همچنین به آتش کشیده شدن کتاب فروشی انتشارات «مرغ آمین»، از آن جمله اند، و علی القاعده آن سخنان (سخنان جنتی) به منزله تأیید این برخوردها و ترغیب افراد به اتخاذ چنین شیوه های غیر قانونی، آن هم از تریبون نماز جمعه است... آقایان به منظور تأیید چنین برخوردهایی به وصیت امام استناد می کنند... چرا از وصیت نامه... امام چنین برداشتی باید داشت، باید دانست که (این) جز دامن زدن به هرج و مرج... نتیجه ای ندارد...».

روزنامه «سلام» در مورد تکرار نظایر این عمل و حملات حزب الهی ها نوشت: «این گونه اقدامات کم کم دارد بصورت يك سنت در می آید بدین گونه که ابتدا برخی مطبوعات موضوع مورد نظر را مورد انتقاد قرار می دهند به این ترتیب، موضوع مورد توجه مردم قرار می گیرد و در مرحله بعد در يك تریبون رسمی مثل تریبون نماز جمعه مورد حمایت واقع می شود و در مرحله آخر حوادثی که نباید اتفاق بیافتد پیش می آید نظیر آنچه که در مورد نشریاتی چون کردون، فاراد، پیام دانشجو و سخن اتفاق افتاد». روزنامه «سلام» در جای دیگر نوشت: «نبیاید کتاب سوزان را آسان تلقی کرد».

«همباد آن روز که حزب الله این گونه ناجوانمردانه مورد انتقاد قرار گیرد» («کیهان»)

روزنامه «کیهان»، چاپ تهران، در مقاله ای زیر عنوان «حزب الله پیروز است»، به عمل حزب الهی ها افتخار کرد و به حمایت از به آتش کشیدن کتاب فروشی «مرغ آمین» برخاست. این روزنامه نوشت: «همباد آن روز که حزب الله این گونه ناجوانمردانه مورد انتقاد قرار گیرد». از سوی دیگر

روزنامه «جمهوری اسلامی» بی آنکه نامی از روزنامه «سلام» ببرد، نوشت: رادیوهای بیگانه از نوشته های انتقاد آمیز برخی روزنامه ها استفاده می کنند. این روزنامه، «سلام» را از این لحاظ مورد انتقاد قرارداد که اقدام حزب الهی ها را «کتاب سوزان» نام نهاده است.

دولت کارآمد، دلسوز و مردمی...

علی خامنه ای به مناسبت برگزاری مراسم «هفته دولت» به حمایت از دولت هاشمی رفسنجانی برخاست و آن را دولت «کارآمد، دلسوز و مردمی» توصیف کرد. وی سپس مدعی شد که «اوضاع کشور از لحاظ اقتصادی بهبود یافته و مایه امیدواری مردم به آینده شده است». رهبر حکومت اسلامی سپس به موضوع تحريم از سوی آمریکا پرداخت و گفت: «آمریکا در این تحريم شکست خورده و مجبور به عقب نشینی شده است». وی گزارشات اقتصادی محسن نوربخش، مدیر کل بانک مرکزی، را «نشانه های مثبت، امید بخش و دلگرم کننده اقتصادی» دانست. او، ضمن اشاره به محاکمه مختلسان بانک صادرات، ابراز عقیده کرد که «برگزاری این محاکمات جزو افتخارات نظام اسلامی است و نشان داد که نظام در مبارزه با فساد، جدی است».

احکام صادره برای مختلسان: فاضل خداداد «سپر بلائی رفیق دوست ها»

روز ۳۱ مرداد رای دادگاه مسوول رسیدگی به پرونده اختلاس از بانک صادرات ایران اعلام شد. براساس رای صادره، فاضل خداداد، متهم ردیف اول به عنوان مفسد فی الارض، به اعدام و مرتضی رفیق دوست و ابوطالب ابراهیمی، کارمند بانک صادرات شعبه ۲۰۷ به حبس ابد محکوم شدند. برای سایر متهمان این پرونده، حبس تعزیری و پرداخت جریمه در نظر گرفته شده است («ایران خبر» شماره ۲ شهریور ۱۳۷۴).

روزنامه «سلام» در شماره روز شنبه، ۴ مرداد، بر این نکته تأکید ورزید که فاضل خداداد- تنها مجرم محکوم به اعدام در این پرونده- اعتبار لازم را برای چنین فسادی نداشته و چنین اعتباری ناشی از نام رفیق دوست ها بوده است. این روزنامه در مطلبی زیر عنوان «با زمینه سازان اختلاس در محکمه وجدان» نوشت: «چگونه است که در حکومت اسلامی، امثال خدادادها به آسانی قادرند به هر میزان که اراده نمایند از بانک اعتبار بگیرند ولی میلیون ها ایرانی به خاطر گرفتن يك وام چند ده هزار تومانی باید از هفت خون رستم عبور کنند». «سلام» سپس درباره محکومیت اعدام فاضل خداداد- که در واقع در صورت اجرای حکم، برای به اصطلاح، ایجاد انحراف در اذهان، به منظور تحت الشعاع قرار دادن نقش اساسی رفیق دوست ها، و نیز تسکین افکار عمومی، اعدام خواهد شد- نوشت: «ثابت شد که فاضل خداداد هیچگونه اعتباری نداشت و چنین اعتباری ناشی از نام رفیق دوست ها بود... ارتباط فاضل خداداد با محسن رفیق دوست بسیار گسترده بود تا جایی که برای «دستگاه» اتومبیل مبلغ ۵۰ میلیون تومان به بنیاد داد و حتی سندی نیز دریافت نکرد. دو دستگاه از این چهار دستگاه اتومبیل، رولزرویس های ویژه متعلق به خاندان سلطنتی پیشین بود که بنیاد مستضعفان آن را مصادره کرده بود...».

خبرگزاری های خارجی در گزارشات خود پیرامون این موضوع به ویژه بر وجود پیوند برادری ادامه در ص ۶

انگلیس

بر خلاف تبلیغات دولت محافظه کار مبنی بر بهبود وضعیت اقتصادی و پایان رکود فلج کننده سال های اخیر، در ماه گذشته برعهده بیکاران کشور افزوده شد. بر طبق محاسبات اداره مرکزی آمار شمار کسانی که حقوق بیکاری دریافت می کنند در ماه گذشته ۸۱۶۹۴ نفر افزوده شده و تعداد رسمی بیکاران به میزان ۱۷۷/۳۳۶ نفر رسیده است. این رقم شامل ۱/۷۵۸/۶۳۰ نفر مرد و ۵۷۷/۵۴۶ نفر زن بیکار است. البته این ارقام فقط شامل آن دسته از بیکاران می شود که طبق تعریف دولت در این مقوله می گنجد. دولت محافظه کار در دهه اخیر برای رهایی از فشار تبلیغاتی منفی بیکاری با معرفی ضوابط جدید عملاً نیمی از بیکاران را خارج از لیست رسمی و آمار منتشره در مورد بیکاری قرار داده است.

در دو سال اخیر دولت محافظه کار سعی داشته است که با تغییر ساختار اشتغال در کشور و ایجاد کارهای نیمه وقت و موقت، فصلی به بهای از بین بردن صدها هزار کار تمام وقت، شمار بیکاران رسمی را کم کند و مبارزه اپوزیسیون را علیه سیاست اشتغال دولت بی اثر سازد. آمار اخیر نشان دهنده این است که ادعاهای محافظه کاران مبنی بر بهبود اقتصادی بر پایه های لیزان و سستی استوار است. به ارزیابی اداره تحقیقات نیروی کار، حتی با قبول آمار دولت، به ازای هر محل اشتغال موجود، ۴ نفر متقاضی در جستجوی کار هستند. یک جنبه دیگر این بحران عده کثیر کسانی است که برای مدت طولانی بیکار بوده اند. آمار رسمی نشان می دهد که ۸۶۲۰۰۰ نفر از بیکاران یعنی بیش از یک سوم، کسانی هستند که برای بیش از یک سال و بعضاً بیش از ۵ سال بیکار بوده اند.

جوانان بیشترین ضربه را از اقتصاد لیزان می خورند. در فاصله ماه های فروردین و خرداد امسال گرچه شمار کل بیکاران به میزان ۳۹۰۰۰ کاهش پیدا کرد لیکن آمار جوانان بیکار زیر ۲۵ سال، افزایشی به میزان ۲۲۰۰۰ را نشان می دهد. دولت قبول دارد که ۶۵۴۰۰۰ جوان زیر ۲۵ سال بیکار هستند.

بلغارستان

هشت ماه پس از به قدرت رسیدن حزب سوسیالیست بلغارستان، کمونیست های سابق در آستانه تسریع روند خصوصی کردن صنایع از طریق اجرای طرح تقسیم کوبن های مخصوص بین همه شهروندان هستند. رومن گرچوف، اقتصاد دان فارغ التحصیل آمریکا، که مسؤلیت وزارت توسعه اقتصادی را عهده دارد در توضیح برنامه دولت گفت: «ما داریم اقتصاد بازار را با کارایی بیشتری از همه دولت های سابق پیاده می کنیم». پس از پنج سال اجرای برنامه های اقتصادی نئولیبرالی مونتاریستی توسط احزاب بورژوازی که اقتصاد کشور را به ویرانی کشیده است، حزب سوسیالیست بلغارستان در عمل، اجرای سیاست های کنیزان مبتنی بر مداخله دولت در عرصه های لازم را مد نظر دارد. در سیاست خارجی نیز دولت حزب سوسیالیست پیش گرفتن راه هایی نظیر پیوستن به «ناتو» را برنامه کار خود قرار نداده است بلکه با مطرح کردن رشته های تاریخی- فرهنگی و جغرافیایی که بلغارستان را به روسیه و شرق ارتباط می دهد سیاست خارجی غیر متعهدی را دنبال می کند.

از مشخصات ویژه حزب سوسیالیست بلغارستان در مقایسه با دیگر احزاب کمونیست سابق که قدرت را در اروپای شرقی به دست داشتند، جوانی رهبری آن از نظر سنی است. ژان ویدنوف نخست وزیر ۳۶ ساله است. رومن گرچوف ۴۰ سال دارد. پناالی استویکف،



اضطراری را می دهد. پارلمان فقط در صورتی می تواند رئیس جمهور را برکنار کند که او به دلیل بیماری قادر به ادامه وظیفه نباشد یا مرتکب خیانت شده باشد.

۵ ماه قبل ۹۵ درصد رای دهندگان در فرآیند ملی به منظور تمدید دوران ریاست جمهوری نظریات، که ۵۵ ساله است، تا سال ۲۰۰۰ میلادی رای موافق دادند. با توجه به این سابقه و با در نظر گرفتن فرهنگ منطقه ای که بر طبق آن فرآیند ملی ها معمولاً یک اکثریت عظیم موافق برای پیشنهاد دولت ایجاد می کند، در مورد نتیجه نظر خواهی کنونی قزاقستان هیچگونه توهمی نمی تواند وجود داشته باشد.

آپک

با انتشار گزارش گروه نخبگان کشورهای عضو مجمع همکاری اقتصادی کرانه اقیانوس آرام (آپک) در روز ۸ شهریور، مکانیزم حصول اهدافی که اجلاس آپک در پایان سال مسیحی گذشته در اندونزی در دستور کار خود داشت، تا حدود زیادی مشخص شد. گرچه آپک، که ۶ سال از عمر آن می گذرد، تقریباً نیمی از تولید اقتصادی جهان را در بر می گیرد، ترکیب آن بسیار متنوع و به لحاظ سیاسی جمع اضداد است. اعضای آن از سویی آمریکا و ژاپن، بزرگترین و ثروتمندترین اقتصادهای جهان، و از سوی دیگر چین، اندونزی و گینه جدید می باشند که به لحاظ سیستم سیاسی و موقعیت اقتصادی کاملاً وضعیتی متفاوت دارند.

نظرات کشورهای تشکیل دهنده آپک در مورد ساختار آن کاملاً متفاوت و ناشی از منافع اقتصادی آن ها است. در حالیکه کشورهای صنعتی غربی از ساختاری رسمی و وجود قوانین مشخص حمایت می کنند، کشورهای آسیایی می خواهند که آپک به صورت یک گردهمایی غیر رسمی و مشورتی باقی بماند. گروه خبرگان که از نمایندگان ۱۸ کشور عضو آپک تشکیل شده است، در گزارش خود نکات زیر را مورد توجه ویژه قرار داده است:

* کشورهای عضو باید در گردهمایی آتی خود در ماه نوامبر که در اوژاکا در ژاپن- تشکیل می شود قبول کنند که به اجرای کاهش تعرفه ها و دیگر اقدامات به منظور لیبرالیزه کردن اقتصادی که در مذاکرات «گات» مورد توافق قرار گرفته است، سرعت بخشند. لازمه تسریع این است که کشورهای صنعتی مدت زمان برای از بین بردن تعرفه ها و کاهش سوسپد کشاورزی و بالا بردن قیمت تولیدات نساجی و واردات لباس، و کشورهای در حال توسعه مدت زمان برای قبول قوانین بین المللی در مورد حق مالکیت، ذکاوت و هوش، اقدامات در مورد سرمایه گذاری های تجاری و سوسپد صادرات را به نصف تقلیل دهند.

* هماهنگی نزدیک تر سیاست های رقابتی در کوشش برای کاهش اختلافات تجاری، به ویژه میان ایالات متحده و ژاپن.

* کوشش موثرتر برای هماهنگ کردن استانداردهای محصولات ملی و شیوه های آزمایش و اقدامات بیشتر در جهت لیبرالیزه کردن سرمایه گذاری در منطقه.

* کشورهای عضو باید قویاً از ایجاد یک سیستم «اخطار سریع» و یک مکانیزم اضطراری بوجه گذاری صندوق بین المللی پول به منظور جلوگیری از بحران هایی نظیر بحران مالی مکزیک طرفداری کنند.

* آپک و سازمان تجارت جهانی باید هر گروه بندی جدید در منطقه آپک را به منظور حصول اطمینان از قبول مقررات تجارت چند جانبه مورد بررسی و رسیدگی قرار دهند.

معاون صدر حزب که هنوز ۴۰ ساله نشده است می گوید که فقط ۲ نفر از ۱۱۰ نفر اعضای شورای عالی حزب، قبلاً عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست بلغارستان بوده اند.

در توضیح جهات حرکت دولت، گرچوف گفت: «ما هیچ چیز اشتباهی در اینکه یک دولت دست چپی اقتصاد بازار را به مرحله اجرا بگذارد نمی بینیم... ما وزرای جوانی داریم که در اروپای غربی و ایالات متحده تحصیل کرده اند و تئوری و عملکرد بازار را می فهمند». وزرای دولت بلغارستان اصرار می ورزند که آنان توانسته اند توازن و تعادل اقتصادی بین تعهداتی که برنامه اقتصادی صندوق بین المللی پول - که دولت های سابق امضا کرده اند - به دوش آنان می گذارد و استراتژی حزب مبنی بر تقسیم درآمد با هدف تعمیم عدالت اجتماعی به وجود آورند. وضعیت سیاسی و اقتصادی بلغارستان بر این دلالت دارد در حالیکه بیشتر کشورهای سوسیالیستی سابق از نظر اقتصادی و سیاسی با مشکلات عمیق روبرو هستند، برنامه های دولت حزب سوسیالیست توانسته است تا حدی ثبات اقتصادی- اجتماعی به وجود آورد. از رئیس این برنامه از جمله ممنوع کردن مالکیت زمین برای خارجیان، تخصیص اعتبارات دولتی با شرایط سهل برای سرمایه گذاری بخش ملی، در پیش گرفتن سیاست نظارت موثر دولت در اقتصاد مبتنی بر بازار است.

قزاقستان

اکثریت مردم قزاقستان، این جمهوری سابق و وسیع اتحاد شوروی سابق، در روز ۸ شهریور ماه در رای گیری برای طرح قانون اساسی شرکت کردند. این طرح بر خلاف ظاهر دموکراتیکش می تواند عملاً برکناری رئیس جمهور فعلی، پزیدنت نور سلطان نظریات، را از قدرت تقریباً غیر ممکن نماید. کمیسیون مرکزی انتخابات اعلام کرد که بیش از ۸۰ درصد کل رای دهندگان، که ۸/۸ میلیون نفر از جمعیت این جمهوری را تشکیل می دهند به مجموعه قوانینی که- نظر بایف قول داده است- پیاده کردن قانون اساسی را ممکن می سازد و شامل قوانین انتخاباتی نیز می باشد، رای داده اند. براساس طرح قانون اساسی، رئیس جمهور می تواند پارلمان را در صورت رای عدم اعتماد به دولت و یا دویار رد نخست وزیر پیشنهادی رئیس جمهور منحل کند. قانون اساسی پیشنهادی همچنین به رئیس جمهور اجازه می دهد که از طریق صدور فرامین، حاکمیت خود را ادامه دهد. در طول ۷ ماه گذشته نظریات به دنبال به وجود آمدن بحران قانون اساسی در ماه مارس، از طریق صدور فرمان به حاکمیت ادامه داده است. طرح قانون اساسی به رئیس جمهور اختیار اعلام وضعیت

زندگی دردناک صفی در جمهوری اسلامی

علی رغم تبلیغات وسیع رژیم به مناسبت هفته دولت، پیرامون دستاوردهای شکفت انگیز جمهوری اسلامی، واقعیت سخت و دردناک زندگی در جمهوری اسلامی گاه آنچنان تکان دهنده و تاثیر انگیز است که نمی توان همه ابعاد آن را به روی کاغذ آورد. رانده شدن میلیون ها انسان زحمتکش به زیر خط فقر و فشار کمر شکن اقتصادی برای تامین یک زندگی حداقل، علی رغم گاه بیش از ۱۸ ساعت کار در روز، نبود سیستم فراگیر بهداشتی، تامین اجتماعی در کنار بیکاری که حتی بر اساس آمار های رسمی به ۱۲٪ رسیده است، سیمای نسبتاً روشنی از زندگی در رژیم فقها را به دست می دهد. در کنار این همه مشکلات و معضلات اجتماعی - اقتصادی، دست و پنجه نرم کردن میلیون ها انسان با دستگاه عمیقاً فاسد، ضد مردمی اداری جمهوری اسلامی نیز از جمله مشکلات طاقت فرسای دیگری است که مردم ما روزانه با آن روبرو هستند. از صف بستن از نیمه شب برای خرید نان، تا مشکلات و معضلات بزرگ برای دریافت کوبین های دولتی که امرار معاش بخش های بزرگی از خانواده های ایرانی امروزه به آن وابسته است، از جمله شرایط عینی رشد یابی نارضائی توده ای است که هر روز ابعاد گسترده تری به خود می گیرد.

در هفته های اخیر با اعلام توزیع «کوبین مرحله دهم» و در پی آن بی نظمی و وضعیت نابه سامان توزیع این کوبین ها به اعتراض وسیع مردم منجر شد که گوشه هایی از آن در روزنامه های مجاز کشور، از جمله روزنامه «سلام» انتشار یافت. بر اساس گزارش این روزنامه مردم تهران ضمن اعتراض به وضع ناهنجار توزیع کوبین ها، خواهان حذف ضوابط دست و پا گیر اداری، افزایش شمار کارکنان ستاد بسیج اقتصادی و تسهیلات بیشتر شدند. در مصاحبه هایی که در روزنامه «سلام» با مردم در این زمینه انجام داد و منتشر کرد، نکات جالب و تکان دهنده ای از زندگی در صف های گوناگون در جمهوری اسلامی به چشم می خورد که ما در اینجا بخش هایی از آن را نقل می کنیم: «... یک پیرمرد ۶۷ ساله به نام اکبر سلطانی می گوید: دو سال پیش همسرم فوت کرد حال برای دریافت کوبین از بانک باید تعداد نفرات ته سوش کوبین با شناسنامه ها برابر باشد. وی گفت برای کم کردن تعداد نفرات ته سوش سه روز است که به ستاد منطقه کوچه مراجعه می کنم اما موفق به انجام این کار نشدم ولی امروز پس از ۶ ساعت معطلی شماره ای دریافت کرده ام تا کارم در یک ساعت نامشخص انجام شود.... خانمی که صاحب شش بچه است و در هوای گرم در صف ایستاده است می گوید: جهت دریافت کوبین به خیابان جواهرمرد قصاب شهر ری مراجعه کردم و آنها مرا به ستاد خیابان عبده راهنمایی کردند و حال چند ساعت است که بدون شماره در صف ایستاده ام تا شاید نوبت من برسد...» (روزنامه «سلام» - ۱۵ مرداد ۷۴)

تازه پس از همه این دردها و دریافت کوبین، خانواده ها باید مدت های مدید مجدداً در صف بایستند تا شاید بتوانند در مقابل کوبین های دریافت شده مواد مورد نیاز خود را از شبکه ناهنجار توزیع کشور دریافت کنند.

زندگی صفی پدیده عادی در رژیم «ولایت فقیه» است که بر اساس آن میلیون ها شهروند کشور ما مجبورند ساعت ها وقت خود را در صف های طولانی تلف کنند، بی آنکه حتی چشم انداز انجام گرفتن کارشان مشخص باشد. دستگاه اداری سراپا فاسد جمهوری اسلامی در کنار شبکه توزیع فاسد تر از آن که در دست دلالان و بازاریان محترم است در مجموع بر فشارهای طاقت فرسای کمبودهای اقتصادی - اجتماعی و فقر و محرومیت مردم، می افزاید و روز به روز صف مخالفان رژیم را گسترده تر می کند. دور نیست آن روزی که مردم صف در صف در مقابل استبداد حاکم بایستند و ناقوس پایان این حکومت ضد مردمی را به صدا در آورند.

یک میلیون تلفن سیار (موبایل) به قیمت یک میلیارد دلار

بر اساس گزارش روزنامه های مجاز کشور، اخیراً هیئت دولت تصویب کرد که شرکت مخابرات ایران برای توسعه شبکه تلفن های سیار (موبایل) می تواند تا پایان برنامه دوم یک میلیارد دلار تلفن به صورت «فاینانس» (به شکل اعتباری) خریداری کند. خبر اختصاص این بودجه در شرایطی در روزنامه های مجاز کشور انتشار می یابد که به دلیل بحران شدید مالی - ارزی رژیم، واردات کشور تقریباً به حالت تعطیل درآمده است و بسیاری از صنایع از تامین مواد اولیه مورد نیاز خود به دلیل مشکلات مالی و ارزی دولت محروم هستند.

نکته دیگری که به درستی در این زمینه از سوی برخی مطبوعات مجاز کشور مطرح می شود، این موضوع است که چنین معاملاتی قبلاً باید به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده باشد، که در این مورد صادق نیست. حتی روزنامه ارگان حاکم در اعتراض به این معامله که به نظر می رسد توسط جناح وابسته به رفسنجانی سازماندهی شده است، می نویسد: «در شرایطی که کشور به دلیل مشکلات ارزی و بدهی های خارجی حتی در زمینه پرداخت ارز به واحدهای تولیدی برای واردات مواد اولیه و قطعات یدکی با مشکل مواجه است، ضرورت خرید این میزان تلفن موبایل روشن نیست...» (روزنامه «رسالت» مرداد ماه ۷۴).

البته روزنامه «رسالت»، رندانه در ادامه همین مطلب پرده از روی علت اصلی این معامله بر می دارد و روشن می کند که این میزان بودجه برای خرید ۱ میلیون تلفن اختصاص داده شده است که هزینه آن با توجه به نرخ برابری ارز برای شرکت مخابرات ۳۶۰ هزار تومان برای هر تلفن موبایل است، در حالیکه شرکت مخابرات خواهان فروش هر یک از آنها به مبلغ ۱ میلیون تومان است! به عبارت دیگر و با یک حساب سرانگشتی مشخص می شود که از معامله رقمی معادل ۶۴۰ میلیون تومان قرار است به جیب حضرات و سران رژیم برود. افزون بر این، توجه به قیمت خرید هر تلفن سیار معادل ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰ دلار (!!) با توجه به ارزش کنونی این تلفن ها در بازارهای جهانی روشن می سازد که حضرات قرار است هم از توبره بخورند و هم از آخور. با توجه به چنین معاملات «تاریخی» و بی سابقه ای در سایه رژیم «ولایت فقیه» باید به حرف های «ولی فقیه» رژیم که در هفته دولت اعلام کرد: «کار سازندگی در کشور جدی است، هر کس انکار کند بی انصافی کرده است» و «مملکت به شکل تحسین آمیز به سمت سازندگی حرکت می کند...» صد آفرین گفت و اقرار کرد که در کمتر جایی در جهان می توان رژیمی را یافت که این چنین آشکارا و «جدی» مشغول چاپیدن «بیت المال» ملت باشد.

اخبار داخلی ...

میان متهم ردیف دوم و محسن رفیق دوست، رئیس بنیاد مستضعفان، تاکید ورزیدند و یادآور شدند که این بنیاد، ظرف ۱۶ سالی که از استقرار نظام اسلامی در ایران می گذرد، از ارکان عمده آن به شمار می رفته است. خبرگزاری اسوشیتدپرس با اشاره به سوابق محسن رفیق دوست تصریح کرد که او در سال ۱۹۸۸ به سبب ارتباط با یک رسوایی مالی، به دنبال رای عدم اعتماد مجلس، از سمت خود در کابینه، به عنوان وزیر سپاه پاسداران، برکنار شد.

فروش کارخانه های کشور

بنا به گزارش منابع خبری، هاشمی رفسنجانی دستور حراج صنایع ملی را صادر کرده است و حدود دو واحد تولیدی دولتی به بخش خصوصی - که گفته می شود غالباً از وابستگان رژیم هستند - واگذار خواهد شد. از طرف ستاد مستقر در مرکز ریاست جمهوری، دستور فروش این کارخانه ها صادر شده است.

بمباران بوسنی را محکوم می کنیم!

آورد.

رادوان کاردیچ، رهبر صرب های بوسنی ضمن اعلام نظر در این مورد گفت: « مردم ما آماده اند که هر چیزی را تحمل کنند، جنگجویان ما با استواری در مواضع خود ایستاده اند و پس از همه اینها... ما سرانجام پیروز خواهیم شد. لیکن جهان باید عکس العمل نشان دهد و با (تهاجم ناتو) مخالفت کند، به خاطر اینکه چین و روسیه باید انتظار چیزی مشابه را داشته باشند و به خاطر اینکه بدعتی برای دخالت (خارجی) در جنگ ها و برخوردهای داخلی گذاشته شده است.»

در این رابطه است که نیروهای طرفدار صلح در جهان باید گسترده ترین کارزارها را علیه اقدامات «ناتو» سازمان دهند. مسأله این نیست که از صرب ها طرفداری شود یا علیه دولت مسلمان بوسنی دعوت به اقدامی شود. واقعیت اینست که هیچ يك از سه طرف درگیر در جنگ از تقصیر مبرا نیستند. با توجه به شواهد تاریخی و برخی نشانه های نگران کننده می بایست از ظهور فاشیسم و دولت های مبتنی بر برتری نژادی که هم ستا و هم برپایه موارد مشخص در کرواسی امکان پذیر است جلوگیری کرد. فراموش نکنیم که آلمان مشخصا از تهاجم کرواسی به کرانیا دفاع نمود. میکوئیل فیکوئوئروا، دبیر کل حزب کمونیست کانادا در سخنانی درباره محکومیت اقدام «ناتو» به نقش منفی مطبوعات اشاره کرد و گفت: «این گزارشات یکجانبه تماما نقش امپریالیسم آمریکا و آلمان را در تسلیح و آموزش نیروهای نظامی ایی که در مقابل صرب ها قرار دارند فراموش می کنند». دبیر کل حزب کمونیست کانادا به درستی اعلام می کند که مداخله نظامی «ناتو» در این زدوخورد خطر بزرگی را متوجه صلح و آرامش در سراسر منطقه بالکان می کند. او انگشت بر نکته محوری در توضیح عملکرد «ناتو» می گذارد و اظهار می دارد: «کشورهای امپریالیستی اصلی ایالات متحده، آلمان و روسیه... خود در طلب گسترش منافع ویژه خود در منطقه هستند و مداخله تجاوزگرانه آنها می تواند که جنگ را چنان گسترش دهد که تمامی کشورهای همجوار را در بر بگیرد».

مردم یوگسلاوی هیچ سودی از جنگ و از مداخله امپریالیستی نیروهای نظامی «ناتو» نخواهند برد. تنها راه حل بحران در یوگسلاوی عدم حمایت از هر سه طرف درگیری و ترغیب آنها به مذاکره و صلح است. اقدام به نفع يك طرف، آنها را ترغیب می کند که در طلب پیروزی کامل به فعالیت های نظامی برای حصول اهداف خود ادامه دهند.

قتل عامی بود. رهبر صرب های بوسنی علنا اعلام کرد که مقصر شلیک خمپاره و کشتن مردم سارایوو دولت مستقر در سارایوو است که در صدد است به هر بهانه ای «ناتو» را علیه نیروهای صرب وارد عمل کند. او گفت که با توجه به آمادگی نظامی ایالات متحده و متحدانش صرب ها می دانستند که شلیک خمپاره به سارایوو عملا «ناتو» را علیه آنها وارد جنگ می کند و آنها هرگز دست به چنین حماقتی نمی زنند. گرچه «ناتو» ادعا می کند که حملات هوایی آن برای مجبور کردن صرب ها به حضور در سر میز مذاکره است لیکن باید اذعان داشت که شروع بمباران مواضع صرب ها درست چندین ساعت پس از اینکه آنها انجام مذاکرات را با رهبری معاون وزیر خارجه آمریکا اعلام کردند، آغاز شد. تنها مخالف شرکت در مذاکرات، دولت مسلمانان بوسنی بود که مصر بود حملات هوایی و بمباران مواضع صرب ها از سوی «ناتو» بهای شرکت آنها در مذاکرات به ایتکار ایالات متحده است.

این حقیقتی است که غرب و به ویژه ایالات متحده به این تصمیم رسیده اند که منافع آنان در منطقه بالکان مشروط به وجود يك صرب کم قدرت و محدود است. به گفته سرمقاله «تایمز مالی» تاریخ ۹ شهریور- «از مدت ها قبل روشن بوده است که فقط عمل قاطع «ناتو» شانس عوض کردن موازنه جنگ علیه صرب های بوسنی را در بر دارد».

ویلی کلاوس، دبیر کل «ناتو» در روز ۱۰ شهریور اظهار داشت اگر صرب ها در مقابل طرح آمریکا برای یوگسلاوی سابق مقاومت کنند، فعالیت های نظامی «ناتو» ادامه و حتی تشدید خواهد شد. در عین حال اقدامات «ناتو» با دقیق ترین و گسترده ترین تهاجم مطبوعاتی رسانه های امپریالیستی همراه است. مطبوعات دست راستی نه تنها هیچ سوآلی را در مورد قانونیت و مشروعیت این بمباران و عواقب مداخله جانبدارانه «ناتو» مطرح نکرده اند بلکه با عنوانهای برجسته سعی در تحریک افکار عمومی و دامن زدن به نوعی جنگ طلبی در میان مردم عادی دارند. رسانه های گروهی امپریالیستی به وضوح این موضع را که «ناتو» مصمم است آرامش کورستان واری را در بوسنی تحت کنترل ایالات متحده برقرار کند و لازمه این، شکست نظامی صرب ها است، تبلیغ می کنند. بسیاری از ناظران سیاسی این مداخله نظامی را از نظر مایهت اقدامات انجام شده، یا حمله نظامی ایالات متحده و هم پیمانانش به عراق در جریان اشغال کویت مقایسه می کنند. این حقیقت که تنها برنده واقعی آن فاجعه نیز کسی جز تراست های نظامی و محافل امپریالیستی و ارجاعی نبوده است که به قیمت از بین بردن مدنیت و مظاهر شهر نشینی عراق، «نظم نوین جهانی» را به جهانیان معرفی کردند، زنگ خطرهایی را باید به صدا در

بمباران وحشیانه و ممتد مواضع نیروهای صرب توسط هواپیماهای «ناتو» و نیز توپخانه سنگین نیروهای واکنش سریع انگلیسی-فرانسوی عملا تراژدی جنگ برادر کشی یوگسلاوی را به مرحله کیفیتا جدیدی وارد کرد. آنچه در طول سه روز حملات هوایی گسترده «ناتو» اجرا شد- پرده ای دیگر از روند استقرار «نظم نوین جهانی» و تثبیت کنترل بلامنازع نظامی ایالات متحده آمریکا بود. که پرده قبلی آن چهار سال قبل در عراق اجرا شده. نکته متمایز کننده عملیات اخیر شرکت مستقیم و علنی نیروهای نظامی «ناتو» و سکوت نیروهای ترقیخواه جهان در قبال آن بود.

این واقیعی است که سرانجام پس از ماه ها اقدام برای آماده کردن افکار عمومی، رهبران «ناتو» توانستند برای اولین بار در تاریخ موجودیت این پیمان تجاوزگر، نیروهای نظامی خود را در يك عملیات واقعی بکار گیرند. مردم یوگسلاوی و هیچ نیروی ترقیخواه و غیر متعهدی نمی تواند قبول کند که نیروهای غربی مستقر در قلمرو یوگسلاوی سابق میانی های بی طرف بین نیروهای متخاصم هستند. اقدام نیروهای «ناتو» به بمباران مواضع صرب ها عملا آنان را در جنگ داخلی بوسنی به نفع يك طرف و علیه طرف دیگر وارد درگیری کرد. این عملیات نتیجه سیاسی از قبل طرح ریزی شده توسط ایالت متحده و متحدان آن بود که در این برهه از تحولات خونین چند ساله اخیر موضع جانبدارانه خود را در جنگ داخلی یوگسلاوی نشان بدهند. تمامی اخبار ماه های اخیر حاکی از این بود که ایالات متحده از مدت ها قبل می خواسته است که به این اقدام دست بزنند ولی حضور نیروهای انگلیسی-فرانسوی به مثابه نیروهای حافظ صلح سازمان ملل و عدم رضایت لندن و پاریس در به مخاطره انداختن پرسنل خود در جریان حملات هوایی مانع از این اقدام ماجراجویانه بوده است. با خروج نیروهای انگلیسی از «منطقه امن» گراژده و کم تر شدن خطر عملیات نظامی برای پرسنل انگلیسی-فرانسوی، فرماندهان نظامی ایالات متحده فرصت را برای آزمایش سلاح های خود در جریان يك جنگ واقعی فراهم دیدند. اینکه نیروهای «ناتو» کمتر از ۸ ساعت پس از اصابت يك خمپاره به بازار سارایوو و کشته شدن ۲۷ نفر مردم این شهر و بدون در دست داشتن يك مدرک محکمه پسند و قوی مبنی بر مقصر بودن صرب ها حمله خود را به مواضع صرب ها شروع کرد خود نشانه ای از برنامه ریزی دقیق و از قبل آماده «ناتو» برای شروع این عملیات بود. قبل از این ایالات متحده با فشار به پطروس غالی توانسته بود اجازه اقدام عملی «ناتو» بدون تصویب سازمان ملل را به دست آورد. موضع غرب در قبال بحران «مناطق امن» و نیز سکوت محض آن در رابطه با حمله کرواسی به «کراینا» و آوارگی بیش از دویست هزار شهروند صرب همه نشان دهنده تدارک چند ماهه و از قبل «ناتو» برای شروع چنین

فراخوان عاجل احزاب کمونیستی و کارگری برای نجات جان زندانیان سیاسی ایران!

ما احزاب امضا کننده زیر با دریافت اخبار موثق از ایران اطلاع حاصل کرده ایم که رژیم جمهوری اسلامی پا به پای رشد روزافزون مبارزات خلق بر شدت اعمال خود مبنی بر سرکوب خونین اعتراضات و اعتصابات مردم قهرمان ایران افزوده است. علاوه بر این اخبار حاصله حاکی است که رژیم اسلامی هم اکنون برای جلوگیری از رشد خیزش های مردمی و ایجاد رعب و وحشت، در تدارک موج جدیدی از اعدام زندانیان سیاسی است. به همین جهت ما امضاکنندگان این فراخوان ضمن محکوم دانستن سرکوب خونین اعتراضات مردم بی دفاع که طی هفته های گذشته بوقوع پیوسته اند حکم اعدام شمار کثیری از زندانیان سیاسی را که سال های مدیدی است در درون سیاهچال های رژیم اسلامی بسر می برند، به شدیدترین وجهی تقبیح می کنیم و خواهان لغو فوری این احکام هستیم.

ما همچنین همه نیروهای مترقی و آزادیخواه جهان را به اقدامات عاجل برای نجات جان تمام زندانیان سیاسی ایران فرا می خوانیم. و از کلیه مجامع بین المللی مانند شخص دبیرکل سازمان ملل متحد، کمیسیون حقوق بشر این سازمان و سازمان عفو بین المللی انتظار داریم بد و ن اتلاف کوچک ترین وقتی برای نجات جان زندانیان سیاسی ایران اقدام عاجل نمایند.

در آخر یک بار دیگر از رژیم جمهوری اسلامی می خواهیم که احکام اعدام ۴۴ زندانی سیاسی را که زیر چوبه دار بسر می برند لغو کرده و هرچه زودتر امکان آزادی کلیه زندانیان سیاسی ایران را فراهم نماید.

حزب کمونیست فرانسه

حزب کمونیست بریتانیا

حزب کمونیست آلمان

حزب کمونیست عراق

حزب کمونیست کردستان - عراق

حزب سوسیالیست متحده ترکیه

حزب کمونیست خلق های اسپانیا

حزب کمونیست اتریش

حزب کمونیست لوکزامبورگ

حزب کمونیست سوئیس

حزب کمونیست کردستان (ترکیه)

حزب سوسیالیست متحده آلمان (پلاتنفرم کمونیستی)

اتحادیه کمونیستهای یوگسلاوی (جنبش برای یوگسلاوی)

سازمان کمونیستهای بلژیک

حزب توده ایران

غرفه "نامه مردم" در جشن سالیانه روزنامه "عصرما"، ارگان مرکزی حزب کمونیست آلمان



از دهم تا دوازدهم شهریورماه سال جاری حزب کمونیست آلمان بنا بر سنت هرساله جشن روزنامه "عصرما"، ارگان مرکزی حزب خود را در پارک بزرگ شهر کارگری دورتموند برگزار کرد.

این بار نیز همچون سال های گذشته در کنار دهها حزب کمونیستی و کارگری از حزب توده ایران نیز رسماً دعوت به عمل آمده بود که در این گردهمایی شرکت کنند. با تلاش اعضا و هواداران حزب در آلمان "غرفه نامه مردم" در اولین روز جشن برپا کردید، که در آن کتب و نشریات منتشر شده توسط حزب در کنار اعلامیه ها و بروشورهای مختلف به زبان های فارسی، آلمانی و انگلیسی عرضه شده بود.

همچنین رفقای توده ای در آلمان اعلامیه های مختلفی پیرامون اوضاع ایران و رشد روزافزون اعتراضات و اعتصابات مردمی، هفتمین سالگرد فاجعه ملی، بخش هایی از اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران پیرامون محکومیت دخالت کشورهای امپریالیستی در امور داخلی ایران و... به زبان آلمانی تهیه کرده بودند که در صدها نسخه بین شهروندان آلمانی شرکت کننده در جشن توزیع گردید.

علاوه بر این جمع آوری امضا به شکل کارت های اعتراضی خطاب به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در دفاع از جان زندانیان سیاسی ایران و پشتیبانی از مبارزات خلق های ایران یکی از فعالیت های مهم غرفه "نامه مردم" بود. این کارت ها به امضای تعداد کثیری از شرکت کنندگانی که از غرفه "نامه مردم" دیدن می کردند، رسید. در بین امضاها جمع آوری شده امضای شخصیت های معروفی مانند هربرت سوس، دبیراول حزب کمونیست آلمان، ساراواکن کنشت، از رهبران پلاتنفرم کمونیستی آلمان، دموکراتیک سابق، اکون کرنس، آخرین رئیس جمهور دموکراتیک آلمان، پرفسور هونتز، فیلسوف مارکسیست، روبرت اشتایگر والد و پترکینگلد از نظریه پردازان برجسته حزب کمونیست آلمان به چشم می خوردند.

در این جشن دهها حزب کمونیستی - کارگری از سراسر جهان حضور داشتند. هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران در طول روزهای برگزاری جشن دیدارهایی با نمایندگان احزاب برادر از جمله حزب کمونیست فرانسه، حزب کمونیست ویتنام، حزب کمونیست اتریش، حزب کمونیست عراق، حزب کمونیست آلمان، حزب سوسیالیست متحده ترکیه، اتحادیه کمونیست های یوگسلاوی و حزب کمونیست لوکزامبورگ انجام داد. هیئت نمایندگی حزب در این ملاقات ها علاوه بر تبادل نظرهای دوجانبه، نمایندگان احزاب برادر را در جریان آخرین تحولات ایران و خط مشی سیاسی حزب قرار داد.

NAMEH MARDOM

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

1- Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany

2- B.M.Box 1686, London WC1N 3XX, UK

No:462

29 August 1995

شماره فاکس ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

